



Comparative Studies on
Islamic Countries Law

ISSN: 29808014-3

Vol. 1. No: 3

Received: 2023/9/26

Accepted: 2023/11/14
from Page 1 to 16

doi: 10.22034/LCS.2023.558024.1012

Ali Bagher Taherinia

Professor, Department
of Arabic Language and
Literature, Faculty of
Literature and Languages,
University of Tehran,
Tehran, Iran.
btaheriniya@ut.ac.ir

Mohammad Setayeshpur

Assistant Prof,
International Law, Faculty
of Law, University
of Qom, Qom, Iran.
(Corresponding Author)
mohamadsetayeshpur@
yahoo.com

Scrutinizing the Citizenship of the Child through the Mother: A Comparative Study of the Legal Regulations of Islamic Arab States

Abstract

Citizenship is considered as one of the legal issues that affects various legal and even extra-legal and extra-legal categories. Learning the citizenship of a child through the mother is one of the challenging issues raised in legal circles. The present article seeks an analytical answer to the question, what is the approach of Islamic Arab states regarding the acquisition of citizenship of a child through the mother? Rakhman's hypothesis for the next few lines is that Arab Muslim states are more inclined towards recognizing the citizenship of a child through the mother. In order to verify its hypothesis, the following article has used the descriptive-analytical method and has shown that in Arab Muslim states, some of them believe in non-recognition, some believe in absolute recognition, and others believe in Conditional recognition of the citizenship education of the child through the mother. The present article has reached the conclusion that the course of the legislative process of Arab Muslim states regarding the acquisition of citizenship of a child through the mother shows that the legislation in this area has moved towards more tolerance and this means that gradually the direction of moving away from the classical approach of absolute non-recognition of the child's acquisition of citizenship through the mother has moved. In fact, from the absolute lack of identification (thesis) and from the approach of absolute identification (antithesis), it is moving towards conditional identification as a synthesis.

Keywords:

Child Citizenship, Citizenship, Legal Regulations of Islamic Arab States, Right to Citizenship.

علی باقر طاهری نیا

استاد گروه زبان و ادبیات عربی،

دانشکده ادبیات و زبان‌ها، دانشگاه

تهران، تهران، ایران.

btaheriniya@ut.ac.ir

محمد ستایش پور

استادیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده

حقوق دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده

مسئول)

mohamadsetayeshpur@yahoo.com

تحصیل تابعیت فرزند از طریق مادر: مطالعه تطبیقی مقررات حقوقی کشورهای عربی اسلامی

چکیده

تابعیت از جمله موضوعات حقوقی برشمرد می‌شود که بر مقوله‌های مختلف حقوقی و حتی فراحقوقی و وراءحقوقی اثرگذار است. تحصیل تابعیت فرزند از طریق مادر یکی از موضوعات چالش‌برانگیزی است که در محافل حقوقی مطرح شده است. مقاله پیش رو درصدد پاسخ تحلیلی به این سؤال است که رویکرد کشورهای عربی اسلامی در خصوص تحصیل تابعیت فرزند از طریق مادر چیست؟ فرضیه راقمان سطور پیش رو این است که کشورهای عربی مسلمان، بیشتر به سمت آن سوق یافته‌اند که تحصیل تابعیت فرزند از طریق مادر شناسایی بشود. مقاله پیش رو به منظور راستی‌آزمایی فرضیه خود به اقتضای موضوع مطروحه از روش توصیفی-تحلیلی بهره برده و نشان داده است که در کشورهای عربی مسلمان، تعدادی از آنها قائل به عدم شناسایی، برخی قائل به شناسایی مطلق و برخی دیگر قائل به شناسایی مشروط تحصیل تابعیت فرزند از طریق مادر هستند. مقاله حاضر به این نتیجه نائل آمده است که سیر فرایند قانون‌گذاری کشورهای عربی مسلمان در خصوص تحصیل تابعیت فرزند از طریق مادر گویای آن است که تقنین در این حوزه، به سمت تسامح بیشتر به پیش رفته است و این به آن معنا است که به تدریج به سمت دور شدن از رویکرد کلاسیک عدم شناسایی مطلق تحصیل تابعیت فرزند از طریق مادر سوق یافته است. در واقع، از عدم شناسایی مطلق (تذ) و نیز از رویکرد شناسایی مطلق (آنتی‌تذ)، در حال گذار به سوی شناسایی مشروط به مثابه سنتز است.

واژگان کلیدی:

تابعیت، تابعیت فرزند، حق بر تابعیت، قوانین کشورهای عربی اسلامی.

مقدمه

در سده‌های گذشته، برای نامیدن کسانی که جمعیت ایران را تشکیل می‌دادند از اصطلاح «رعیت» استفاده می‌شد (سلجوقی، ۱۳۸۴: ۱۶۶). این در حالی است که آنچه امروز به عنوان تابعیت در ادبیات حقوقی کشور به کار می‌رود دلالت معنایی متفاوت دارد. موضوع حق تابعیت، یکی از مسائل مبتلابه جوامع امروزی است. در ذیل این موضوع، تلاقی حقوق ذینفعان و در برخی موارد، تعارض آن حقوق موجب بروز مباحث علمی و حقوقی شده است که تأثیر عملی آن در وضعیت افراد و خانواده تجلی پیدا می‌کند.

این که تابعیت به واسطه بعد حاکمیتی آن از جمله حقوق دولت‌ها تلقی می‌شود و از سوی دیگر، افراد برای برخورداری از تابعیت اعم از ذاتی یا اکتسابی حقوقی دارند، محل مواجهه آراء و اندیشه‌های حقوقدانان و سیاستمداران شده است. بخشی از این امر در سنوات اخیر به بحث روز و اولویت‌دار محافل تقنینی مبدل شده است و آن عبارت است از اعطای تابعیت مادر به فرزند. برخی از صاحب‌نظران، از منظر حقوق کودکان به موضوع می‌پردازند و برخی از نظر حقوق زن و برخی دیگر حقوق حاکمیت و برخی به ابتناهای شرعی استناد می‌کنند. از این رو، بازخوانی نحوه مواجهه کشورهای عربی اسلامی با این موضوع می‌تواند در شکل‌گیری تلقی جامع و تصویری کامل‌تر از وضعیت کشورهای اسلامی و قوانین مصوب آنان مفید واقع شود. اگرچه باید اذعان نمود که مبنای پردازش این مسأله و کیفیت تحقق فرایند تقنین در آنها لزوماً یکسان نیست و نمی‌توان رویه حقوقی آنها را رویه مطلوب و قابل تسری به سایر کشورهای اسلامی تلقی کرد.

کمبود منابع مدون و منتشرشده در خصوص موضوع اعطای تابعیت مادر به فرزند در کشورهای عربی موجب شده است تا بیش از تفحص در لابه‌لای کتب قانونی، به مصوبات حقوقی این کشورها از طریق وبگاه‌های حقوقی آنان پرداخته شود.

مطالعه تجربه کشورهای عربی اسلامی در حوزه قانون‌گذاری درباره حقوق مادر و حق اعطای تابعیت آنان به فرزندشان از این جهت که انتظار می‌رود منشأ تقنین آنها مبنای اسلامی باشد، بسیار مهم است. اگرچه لزوماً موضوع تابعیت در فرض مورد نظر بسیار متأثر از متغیرهای سیاسی است اما اوضاع سیاسی نسبتاً یکسان و ابتناء بر موازین شرع و امکان تسری و تعمیم موجبات و

موانع تقنینی آن‌ها اقتضا می‌کند به رویکرد کشورهای عربی اسلامی در خصوص تحصیل تابعیت فرزند از طریق مادر پرداخته شود.

۱. گستره مفهومی تحصیل تابعیت فرزند از طریق مادر

تابعیت، مصدر جعلی از ماده «تبع» است و شخص برخوردار از این امر را تابع و جمع آن را «اتباع» می‌گویند. تابعیت در اصطلاح حقوقی، تعاریف متعددی دارد از آن جمله این که به نقل از حقوقدان فرانسوی مطرح شده است که: تابعیت، نوعی ارتباط سیاسی است که به موجب آن، فرد جزء عناصر اساسی و دایمی کشور می‌گردد (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۷۷).

برخی، تابعیت را بر اساس عناصر تشکیل‌دهنده دولت، این‌گونه تعریف کرده‌اند که تابعیت عبارت است از تعلق حقوقی به جهت تشکیل‌دهنده دولت یعنی جمعیت، سرزمین، حکومت و حاکمیت است (عامری، ۱۳۹۳: ۳).

برخی تابعیت را به عنوان مبنای تعیین حقوق و تکالیف فرد، این‌گونه تعریف کرده‌اند: رابطه سیاسی، حقوقی و معنوی یک شخص حقیقی یا حقوقی با یک دولت معین است به نحوی که حقوق و تکالیف او از این رابطه ناشی می‌شود. برخی نیز تابعیت را رابطه‌ای سیاسی می‌دانند که بر اساس آن، شخص به حکومت مرتبط می‌شود و حقوق و الزاماتی بر این رابطه سیاسی مترتب است. این تابعیت سه رکن دارد که عبارتند از: دولت، شخص و رابطه بین آن دو (شان و ختام، ۱۴۲۸ هـ.ق: ۱۱۶).

حاصل سخن این که تابعیت، بیانگر یک رابطه است که مبین حقوق و تکالیف اطراف آن خواهد بود. این رابطه، مقید است به قید حقوقی، معنوی و سیاسی. بر اساس حقوق کامن‌لا، تابعیت رابطه سیاسی فرد را مشخص می‌کند. بنابراین صبغه سیاسی تابعیت برجسته‌تر از آن دو صبغه معنوی و حقوقی است. وجه سیاسی، حقوقی و معنوی بودن تابعیت به این است که امری سیاسی بین شخص و دولت است که از امور شخصی مجزا است و تحت سیاست‌های نهادهای حکومتی قرار می‌گیرد. افزون بر این، چهره حقوقی دارد و این به آن دلیل است که گویای حقوق خاص برای تابع نسبت به نهادهای حکومتی قلمداد می‌شود. مضاف بر این، امری معنوی است؛ چرا که ارتباطی به زمان و مکان خاص ندارد.

تابعیت بر دو نوع است: نخست تابعیت اصلی یا تابعیت مبدأ. در این نوع تابعیت، اراده شخص، مداخلت ندارد و آن خود بر دو نوع است. نخست، تابعیت

اصلی خونی یا تابعیت نسبی و دوم تابعیت اصلی ارضی یا سرزمینی. نوع دوم تابعیت، عبارت است از تابعیت اکتسابی. این نوع تابعیت پس از تولد کسب می‌شود و تابع مدخلیت ارادهٔ شخص است. چنانچه شخص به فاصلهٔ مدتی بعد از تولد دارای تابعیت جدید شود این تابعیت را تابعیت اکتسابی می‌نامند. تابعیت اکتسابی از طریق تقاضای شخص و به دو روش کسب می‌شود. نخست، روش ایجابی به معنای تقاضای کسب تابعیت جدید و دوم، به روش سلبی به معنای تقاضای سلب تابعیت قبلی.

تابعیت اکتسابی که منوط به تقاضای شخص است خود انواعی دارد: تابعیت اکتسابی تحصیلی که در نتیجهٔ ارادهٔ شخص و درخواست فرد متقاضی تحصیل می‌شود. دیگری تابعیت اکتسابی تبعی است که در نتیجهٔ ارادهٔ شخص و درخواست فرد دیگری تحصیل می‌شود. مضاف بر این، تابعیت اکتسابی تحقیقی نیز متصور است که در نتیجهٔ ازدواج به دست می‌آید. تابعیت اکتسابی اجباری، در نتیجهٔ اشغال یا فتح کشوری به دست کشور دیگر یا تقسیم کشور به چند کشور ایجاد می‌شود. تابعیت اکتسابی افتخاری که دولت‌ها به صورت استثنایی به اشخاص مهم و مؤثر اعطا می‌کنند. تابعیت اکتسابی تجاری که به منظور جلب سرمایه برای توسعهٔ اقتصادی آن کشور اعطا می‌شود. تابعیت اکتسابی مذهبی که برخی از دولت‌ها به شخص یا اشخاصی که مذهب خاصی دارند به محض آن که به آن کشور وارد شوند، اعطا می‌نمایند.

تابعیت اکتسابی در هر صورت تابع اختیار کامل دولت در قبول یا رد درخواست است و اولین مصلحتی که هر دولتی موظف به رعایت آن است دقت در پذیرش افرادی است که واقعاً علاقه‌مند به کشور هستند و از کسب تابعیت اهداف مغرضانه ندارند. در همین راستا، شایسته توجه است که مادهٔ ۹۷۹ قانون مدنی مقرر داشته است که اشخاصی می‌توانند تابعیت ایرانی تحصیل کنند که فراری از خدمت نظامی نباشند. در واقع، قانون‌گذار درصدد برآمده است تا شخص به منظور نیل به هدف مغرضانه فرار از خدمت نظامی، متقاضی تحصیل تابعیت ایران نباشد (قانون مدنی، مادهٔ ۹۷۹).

خانواده، کوچک‌ترین واحد اجتماعی است و انسجام اجتماعی در سطح کلان، در بستر انسجام خانواده شکل می‌گیرد. از این رو، قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران جوامع مختلف در قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری، مصالح خانواده و دوام زندگی جمعی و پیوند عمیق عاطفی اعضای خانواده را به عنوان متغیرهای مؤثر تلقی می‌کنند.

نوع تابعیت اعضای خانواده، شامل تابعیت پدر، تابعیت مادر، تابعیت فرزندان با انسجام خانواده و استحکام آن، ارتباط مستقیم دارد. این درحالی است که برخی به جای توجه به انسجام ناشی از تابعیت واحد از منظر حقوق کودک و حقوق زن به موضوع می‌پردازند که نتیجه آن، تنوع در تابعیت اعضای خانواده و به تبع آن، کاستن از انسجام و استحکام بنیان خانواده شکل خواهد گرفت. از آنجا که انتقال تابعیت از پدر به فرزند از سوی کشورهای مختلف شناسایی شده است مسأله مناقشه‌برانگیز که موضوع این مقاله قرار گرفته، عبارت است از انتقال تابعیت از مادر به فرزند. این موضوع با رویکرد توجه به انسجام خانواده از سوی کشورهای مختلف حاکی از سه رویکرد وحدت تابعیت، استقلال تام تابعیت و استقلال نسبی تابعیت است. بر اساس رویه وحدت تابعیت، تابعیت تابع قانون ملی شوهر است. در کشورهایی از قبیل اسپانیا، سوییس، ایتالیا، بلژیک، یونان، ایران و افغانستان این‌گونه است. بر اساس استقلال تام، بر تساوی حقوق زن و مرد تأکید می‌شود و در نهایت، در استقلال نسبی، اصل بر استقلال زوجین در تابعیت است ولی امکان تغییر آن با اراده ایشان وجود دارد. کشورهای اتریش، اردن، الجزایر، آلمان، آمریکا، انگلیس، برزیل، پاکستان و ترکیه از این سیستم تبعیت می‌کنند (عباسی، ۴).

از جمله حقوق طبیعی کودکان عبارت است از حق تابعیت. کودکی که خارج از اراده خود در زمان و مکان خاصی متولد می‌شود باید واجد تابعیت باشد و بر همین اساس، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اصل ۳ اعلامیه حقوق کودک ۱۹۵۹ اعلام داشته است که کودک باید از بدو تولد صاحب ملیت گردد. حق معنوی کودک است که از بدو تولد همچنان که واجد اسم می‌شود دارای تابعیت نیز باشد و از بی‌تابعیتی او جلوگیری شود.

هرچند اصل برخورداری از تابعیت برای کودک در همه کشورها به رسمیت شناخته شده است، اما روش‌های تعیین تابعیت اطفال متفاوت است. در قوانین کشورهای مختلف، سه روش برای تعیین تابعیت اطفال پیش‌بینی شده است. نخست، خاک؛ دوم، خون و سوم، تلفیقی از آن دو. فارغ از استحکام استدلال طرفداران هر یک از روش‌ها، گاهی ممکن است تفاوت روش تعیین تابعیت کودک در دو کشور موجب بی‌تابعیتی کودک شود. به عنوان مثال، چنانچه کشوری تابعیت کودک را بر اساس نسبت پدری تعیین نماید و کشور دیگر این تابعیت را بر اساس خاک تعیین کند در این صورت احتمال تحقق بی‌تابعیتی وجود دارد.

۲. رویکرد شناسایی مطلق تحصیل تابعیت فرزند از طریق مادر

برخی از کشورهای عربی مسلمان، در خصوص تحصیل تابعیت فرزند از طریق مادر، قائل به آن هستند تابعیت فرزند از طریق مادر به نحو مطلق قابل اعمال است و این به آن معنا است که تحصیل تابعیت فرزند از طریق مادر پذیرفته شده و منوط به هیچ شرطی نیست. در قانون تابعیت تونس، تونس شامل سرزمین تونس، آب‌های منطقه‌ای تونس، کشتی‌ها، ناوگان‌ها و هواپیماهای تونس می‌شود (قانون الجنسیه التونسیه، فصل ۵). در این قانون به افراد زیر تونس می‌گفته می‌شود:

هر کودکی که از پدر تونس یا مادر تونس متولد شود (قانون الجنسیه التونسیه، فصل ۶). هرکسی در تونس متولد شود و پدر و جد پدری او هم متولد تونس باشد (قانون الجنسیه التونسیه، فصل ۷). هر کسی از پدر و مادر بدون تابعیت متولد شود در صورتی که پدر و مادر در دست کم ۵ سال قبل ساکن تونس بوده باشند (قانون الجنسیه التونسیه، فصل ۸).

فرزندی که در تونس متولد شد مادامی که خلاف آن اثبات نشود تونس تلقی می‌شود (قانون الجنسیه التونسیه، فصل ۱۰). بنابراین ملاحظه که در فصل ۶ از قانون تابعیت کشور تونس درج شده است به صرف این که مادر تونس باشد کودک هم تونس تلقی می‌شود. این در حالی است که پیش از این، بر اساس ماده ۶ از فصل اول تابعیت از طریق نسب، اشخاص زیر تبعه تونس محسوب می‌شوند: کسی که از پدر تونس متولد شده باشد.

کسی که از مادر تونس و پدر نامعلوم یا پدر بدون تابعیت یا پدر دارای تابعیت نامعلوم متولد شده باشد؛ کسی که در تونس از مادر تونس و پدر خارجی متولد شده باشد.

در این خصوص بایسته‌امعان نظر است که به موجب بند ۲ فصل ۲۱ در صورتی که مرد غیرتونس با زن تونس ازدواج نماید مشروط به این که زوجین هنگام درخواست، مقیم تونس باشند به آن مرد تابعیت تونس اعطا می‌شود. با این حال، در این باره شایسته توجه است که اعطای تابعیت، مشروط به موارد زیر است: بلوغ، عقل، آشنایی با زبان عربی، این که شخص سربار جامعه یا موجب خطر برای آنان نباشد و خوش اخلاق، خوش رفتار و فاقد سابقه حبس بیش از یک سال و فاقد سابقه عفو مجازات به واسطه ادای دین باشد (قانون الجنسیه التونسیه، فصل ۲۳).

فرض دیگر این است که کودک از مادر تونس و پدر غیرتونس در خارج از تونس متولد شده باشد که در این صورت، بر اساس اصلاحیه قانون تابعیت مصوب

سال ۱۹۹۳ اگر تا یک سال قبل از سن بلوغ تقاضا کند، تبعه تونس تلقی می‌شود. بر اساس ماده ۱۲ از فصل اول قانون یادشده، هر کس در خارج از تونس از یک مادر تونس‌ی و پدر بیگانه متولد شود، تونس‌ی محسوب می‌شود و این مشروط به آن است که یک سال قبل از رسیدن به سن رشد، اظهاری مطابق با ماده ۳۹ این قانون در خصوص قبول این تابعیت به عمل آورد؛ نامبرده از موقعی تونس‌ی خواهد بود که اظهار خود را با رعایت شرایط مندرج در مواد ۱۵ و ۱۶ از قانون یادشده ثبت کند. به موجب ماده ۱۵ فصل اول، رئیس جمهور می‌تواند در موارد مذکور در دو ماده ۱۲ و ۱۴ با صدور فرمانی مانع از تحصیل تابعیت تونس گردد. هرگاه مخالفت رئیس جمهور با تابعیت جدید در مدت مذکور در قسمت دوم این ماده صادر شود، در این صورت ذی‌نفع در حکم کسی خواهد بود که تابعیت تونس را هرگز تحصیل ننموده است (قانون الجنسیه التونسیه، ص ۳).

سیر تحول مصوبات قوانین مربوط به اعطای تابعیت مادر به فرزند در تونس حاکی از آن است که طی دست کم سه مرحله این حق برای زنان در تونس شناسایی شده است به گونه‌ای که در سال ۱۹۹۳ میلادی، اعطای تابعیت به فرزند، مشروط به درخواست صریح پدر و مادر دانسته شده بود. در سال ۲۰۰۲ میلادی، اعطای تابعیت مادر به فرزند با درخواست مادر به فرزندش منتقل می‌شود و این امر در صورتی خواهد بود که پدر وجود نداشته باشد یا امکان اخذ درخواست از او نباشد. در سال ۲۰۱۰ میلادی، برای اعطای تابعیت به فرزند، پدر و مادر از حقوق مساوی برخوردار می‌باشند.

بر اساس قانون تابعیت کشور الجزایر، الجزایر شامل سرزمین الجزایر، آب‌های منطقه‌ای، کشتی‌ها و هواپیماهای الجزایری است. در این قانون، ازدواج مشروط است به شروط زیر که موجب کسب تابعیت می‌شود: ازدواج قانونی باشد و دست کم ۳ سال از آن گذشته باشد؛ اقامت حداقل از دو سال قبل؛ حسن سلوک و امکان معیشت (قانون الجنسیه الجزائریه، ماده ۹).

در قانون الجزایر، سن رشد ۲۱ سال تمام است و تابعیت ناشی از ولادت در دو مورد محقق می‌شود: فرزندی که پدر و مادر نامعلوم داشته باشد و فرزندی که از پدر نامعلوم و مادر معین متولد شود که گواهی ولادت و تابعیت او قابل اثبات نباشد (قانون الجنسیه الجزائریه، ماده ۷).

در هر صورت، فرزند کسی که از پدر یا مادر الجزایری متولد شود الجزایری تلقی می‌شود (قانون الجنسیه الجزائریه، ماده ۶). سیر تحولی قوانین مربوط به تابعیت

در کشور الجزایر تا آن جا پیش رفته است که در سال ۲۰۰۵ میلادی، اصلاحیه قانون تابعیت تصویب شد که به موجب آن، زن می‌تواند تابعیت خودش را به فرزندانش اعطا نماید. همچنین زن الجزایری می‌تواند تابعیتش را به همسر غیرجزایری‌اش هم انتقال دهد. قید مهم مندرج در این اصلاحیه، آن است که این انتقال تابعیت به فرزندان و همسر قابل برگشت نیز می‌باشد.

در این باره شایسته توجه است که در اصلاحیه قانون تابعیت کشور مغرب^۱ مصوب سال ۲۰۰۷ در ذیل فصل ۶ چنین آمده است که زن مغربی که با غیرمغربی ازدواج نماید، می‌تواند تابعیتش را به فرزندان غیرکویت‌اش منتقل نماید. در این قانون، آمده است طفل بر اساس نسبت پدری یا از طریق مادر مغربی تلقی می‌شود. در این صورت، تابعیت او اصلی خواهد بود نه اکتسابی. نکته قابل توجه در قانون تابعیت مغرب، تمیز فرزند ذکور از اناث است که در قوانین سایر کشورهای عربی شناسایی شده است.

۳. رویکرد شناسایی مشروط تحصیل تابعیت فرزند از طریق مادر

در خصوص تحصیل تابعیت فرزند از طریق مادر، برخی از کشورهای عربی مسلمان، قائل به تحصیل تابعیت فرزند از طریق مادر هستند ولی آن را منوط به شرایطی دانسته‌اند. در این باره شایسته توجه است که قانون تابعیت عراق، متضمن آن است که هر کس در عراق متولد شود و به سن بلوغ برسد و پدرش متولد عراق باشد و هنگام تولد پدرش مقیم عراق باشد عراقی تلقی می‌شود. عبارت صریح‌تر که ناظر بر همین امر است در ماده ۸ این‌گونه است که «هر کسی که هنگام ولادت (در داخل عراق یا خارج از عراق)، پدرش عراقی باشد تبعه عراقی تلقی می‌شود (شنان و ختام، ۱۴۲۸ ه.ق: ۱۲۰).

این در حالی است که قانون مدنی و سیاسی عراق مقرر داشته که تابعیت عراق حق هر فرزندی است که از طریق پدر یا مادر عراقی باشد و بر اساس رأی دادگاه، فرزندی که یکی از والدین او عراقی باشد می‌تواند تابعیت عراقی بگیرد. به این ترتیب، فرزند عراقی می‌تواند با درخواست شخصی از تابعیت اکتسابی برخوردار شود و این امر، غیر از انتقال تابعیت مادر به فرزندان است.

۱- جهت ملاحظه قانون تابعیت مغرب، مراجعه کنید به:

<https://justice.gov.ma/wp-content/uploads/2022/05/legislation-6294abb2222f1.pdf>

بر اساس قانون تابعیت بحرین^۱ مصوب سال ۱۹۶۳ هر کسی که دارای تابعیت قانون بحرین باشد، بحرینی تلقی می‌شود و هرکس که بر اساس ماده ۱۶ قانون تابعیت بحرین را کسب کند، تبعه بحرین قلمداد می‌گردد. سن رشد در این کشور ۱۸ سال تمام است.

بر اساس همین قانون، افراد زیر بحرینی تلقی می‌شوند: کسی که در بحرین متولد شود و پدرش در زمان ولادت فرزند بحرینی باشند؛ کسی که در بحرین یا خارج از آن متولد شود و مادرش بحرینی و پدرش نامعلوم باشد یا نسبت قانونی او با پدرش اثبات نشود؛ فرزندی که در بحرین متولد شود و والدین او نامعلوم باشد؛ به این ترتیب اعطای تابعیت مادر به فرزند در قانون بحرین به صورت مشروط پذیرفته شده است و بر همین اساس، انجمن زنان این کشور برای به رسمیت شناختن این حق به عنوان مصداق تساوی حقوق زن و مرد به ماده ۱۸ قانون اساسی استناد کرده است.^۲ به موجب ماده ۱۸ از قانون یادشده، «مردم به صورت برابر واجد کرامت انسانی هستند و در برخورداری از حقوق و تعهدات عمومی، نزد قانون برابر هستند و هیچ گونه تبعیضی نظیر تبعیض جنسیتی، زبانی، مذهبی یا قومی میان مردم روا نیست. از این رو به موجب قانون اساسی بحرین، مردم از نظر کرامت انسانی مساوی هستند و کلیه شهروندان از نظر قانون و تکالیف عمومی مساوی برشمرده می‌شوند و در این خصوص جنسیت، اصالت، زبان، دین و عقیده، موجب تمایز قلمداد نمی‌شود و به تعبیر بهتر، نباید بشود. آنان به همین دلیل معتقدند باید موضوع به گونه‌ای کامل حل شود و این امر منوط است به اصلاح قانون تابعیت آن هم سازگار با قانون اساسی.

در قانون تابعیت کشور امارات تصریح شده است که تابعیت به حکم تبعیت قانونی یا اکتسابی یا اعطایی به دست می‌آید. در همین قانون شهروند قانونی کسی است که:

عرب یا ساکن امارات باشد؛ فرزندی که در امارات یا خارج از آن متولد شود و پدرش شهروند قانونی امارات باشد؛ فرزندی که در امارات یا خارج از آن متولد شود و مادرش شهروند قانونی امارات باشد و نسبت پدری‌اش ثابت نشود؛ فرزندی که

۱- جهت ملاحظه قانون تابعیت بحرین، مراجعه کنید به:

<https://www.refworld.org/cgi-bin/texis/vtx/rwmain/opendocpdf.pdf?reldoc=y&docid=5ffddf34>

۲- جهت ملاحظه قانون اساسی بحرین مراجعه کنید به:

https://www.constituteproject.org/constitution/Bahrain_2017

در امارات یا خارج از آن متولد شود و مادرش شهروند قانونی امارات باشد و پدرش نامعلوم یا بی‌تابعیت باشد؛ فرزندی که پدر و مادرش نامعلوم باشد.

سیر تحولی قانون تابعیت در کشور امارت به آن جا رسیده است که بر اساس این قانون فرزندان زن اماراتی می‌توانند تابعیت مادرشان را احراز کنند، مشروط به این که قبل از سن هجده سالگی مقیم کشور امارات باشند.

مصر بر اساس اصلاحیه قانون تابعیت مصر مصوب سال ۲۰۰۴ فرزندی پسر یا دختر زن مصری که با غیرمصری ازدواج نماید، بدون توجه به تابعیت پدر تبعه مصر تلقی می‌شوند. بر اساس مصوبه وزارت کشور مصر، فرزندان پسر زن مصری که همسرش فلسطینی باشد نمی‌تواند تبعه مصر شوند. دلیل این امر عبارت است از حفظ هویت فلسطینی‌ها در جوامع عربی.

در قانون تابعیت کویت، مشروط به شروط زیر تابعیت به فرزند زن کویتی اعطا می‌شود. دستور وزارت کشور آن هم در شرایطی مثل این که طفل قبل از سن بلوغ مقیم کویت باشد و پدر غیرکویتی اسیر باشد یا از دنیا رفته باشد یا مادرش مطلقه باشد.

با وجود این که مفاد قانون فوق، حاکی از تعدد شروط انتقال تابعیت مادر به فرزند ایشان است در ماده ۸ قانون تابعیت کشور کویت چنین آمده است که فرزندی که ۲۱ سال تمام داشته باشد و مادرش کویتی و پدرش غیرکویتی باشد مشروط به این که از ابتدای تولد تا ۲۱ سالگی مقیم کویت بوده باشد تبعه کویت تلقی می‌شود.

۴. رویکرد عدم شناسایی تحصیل تابعیت فرزند از طریق مادر

در سال ۲۰۰۲ میلادی، در چند کشور عربی حرکتی راه افتاده است که مفاد آن عبارت بود از «تابعیت من حق من و فرزندان من است»^۱. این حرکت در کشورهای مصر، الجزایر و مغرب منتهی به شناسایی اعطای تابعیت مادر به فرزند شد. لکن در کشور لبنان به واسطه نگرانی از برهم خوردن توازن قومیتی و جمعیت شناختی در کشور، این حرکت نتیجه‌بخش نبوده است.

این در وضعیتی رخ داده است که پیشینه موضوع تابعیت در آموزه‌های دینی و معارف قرآنی حاکی از آن است که قرآن کریم، واژه «امت» را به عنوان اصل ناظر بر

۱- «جنسیتی حق لی و لاسرتی»

تعیین دایره شمول «مسلمانی» تعریف کرده است و این واژه، به جای آن که مبتنی بر شاخص‌های جغرافیایی و سرزمینی باشد بر ایمان و باور مشمولین، اتکا دارد؛ زیرا قرآن کریم می‌فرماید: «ان هذه امتکم امه واحده و اننا ربکم ابدون» (انبیاء، آیه ۹۲).

به این ترتیب، مسلمانان فارغ از زبان، فرهنگ، قومیت و جغرافیا، امت واحد هستند و در مقابل پروردگار جهان در مقام عبودیت و بندگی قرار دارند. تابعیت در معارف قرآنی عبارت است از تابعیت ایمانی به علاوه این که قرآن کریم، اهل کتاب را داخل در پیمان ذمی مسلمانان دانسته است و از این جهت، آنان به رغم اختلاف ایمان، مشمول تابعیت پیمانی اسلام می‌شوند (عامری، ۱۳۹۳: ۱۰).

از این رو، خداوند متعال می‌فرماید: «و قاتلوا الذین لا یؤمنون بالله و لا بالیوم الآخر و لا یحرمون ما حرم الله و رسوله و لا یدینون دین الحق من الذین اتوا الكتاب حتی یعطوا الجزیه عن ید و هم صاغرون» (توبه، آیه ۲۹). برخی از کشورهای عربی مسلمان، تحصیل تابعیت فرزند از طریق مادر را به نحو مشروط شناسایی کرده‌اند و برخی دیگر بدون هیچ قید و شرطی آن را شناسایی نموده‌اند اما برخی از آنها نیز تحصیل تابعیت فرزند از طریق مادر را حتی به صورت مشروط نپذیرفته‌اند. در واقع، برخی از کشورهای عربی مسلمان، اساساً تحصیل تابعیت فرزند از طریق مادر را شناسایی نکرده یا در مورد آن سکوت کرده‌اند.

در این خصوص شایسته توجه است که، بابت عدم شناسایی تحصیل تابعیت فرزند از طریق مادر، گاهی دلایل شرعی و حتی گاهی توجیهات امنیتی و اجتماعی برشمرده شده است. در این باره شایسته توجه است که بر اساس قانون تابعیت کشور عربستان سعودی، فرزند ذکور مادر تبعه عربستان، مشروط به اینکه قبل از هیجده سالگی اقامت دارد و فرزند اناث مادر تبعه عربستان بعد از ازدواج با مرد سعودی و صاحب فرزند شوند می‌تواند تابعیت سعودی کسب نماید.

تابعیت به عنوان حقی شخصی از یک سو با حق حاکمیت و مصالح حاکمیتی مواجه است و از سوی دیگر با حقوقی از قبیل حقوق خانواده و حقوق اجتماعی. در میان فروض مختلف انتقال و اعطای تابعیت، موضوع انتقال تابعیت از مادر به فرزند از جدیدترین موضوعات مناقشه‌برانگیز محافل حقوقی به شمار می‌رود. در محافل مختلف کشورهای عربی، از سال ۲۰۰۲ میلادی جریانی تحت شعار «جنسیتی حق لی و لاسرتی» و «جنسیتی حق لی و لاولادی» فعال شده است.

فعالان این جریان، گاهی با تمرکز بر تساوی حقوق زن و مرد و گاه با استناد به ضرورت احقاق تمام حقوق شهروندی، در پی شناسایی حق اعطای تابعیت مادر به فرزندان هستند.

لکن بر اساس اظهارنظرهای کارشناسان مسائل حقوقی کشورهای عربی، موانعی بر سر راه تحقق این امر وجود دارد که عبارت است از: کشورهای عربی عزم جدی برای تعامل حقوقی با زن عربی ندارند؛ لبنانی‌ها موضوع حق تابعیت مادر به فرزندان را بر وضعیت خاص این کشور و مسائل فلسطینی مؤثر می‌دانند. از این جهت نمی‌تواند تابعیت فلسطینی‌های موجود در لبنان، اردن و مصر تغییر کند. برخی بر این گمان‌اند که این موضوع بیش از آنکه به شرع مستند باشد، تابع ملاحظات سیاسی است و این امر بسیار مهم‌تر از سایر عناصر و موانع است. در برخی از کشورها، قانون اساسی مانع است. در برخی از کشورها اقتصاد مانع است.

نتیجه‌گیری

جستار حاضر پس از بررسی موضوع مطروحه، به این نتیجه دست یافته است که سه رویکرد در خصوص تحصیل تابعیت فرزند از طریق مادر مطرح شده و از این‌رو، کشورهای عربی مسلمان نیز، هر یک، قائل به یکی از این سه رویکرد هستند. در واقع، این سه رویکرد، در تعامل و برخی در واکنش به دیگری، مطرح شده‌اند. به این ترتیب، می‌توان گفت که گفتمان سه‌گانه تز، آنتی‌تز و سنتز در مورد آن مصداق دارد. در این‌صورت، تز اولیه که همان رویکرد کلاسیک است را می‌توان عدم شناسایی تحصیل تابعیت فرزند از طریق مادر دانست. آنتی‌تز آن، شناسایی تحصیل تابعیت فرزند از طریق مادر است و سنتزی که سعی در سازش میان دو نظریه تز و آنتی‌تز داشته، شناسایی مشروط تحصیل تابعیت فرزند از طریق مادر است. در واقع، شناسایی مطلق تحصیل تابعیت فرزند از طریق مادر، در واکنش و به تعبیر بهتر، در مقابله با رویکرد عدم شناسایی (تز) بیان شده است و شناسایی مشروط به مثابه سنتز عمل کرده است.

به این ترتیب، در میان کشورهای عربی نیز به تبعیت از آن تز، آنتی‌تز و سنتز، برخی به صورت مشروط، اعطای تابعیت مادر به فرزند را شناسایی کرده‌اند و برخی از قبیل تونس، سودان و الجزایر، بدون درج شرط قانونی، این امر را شناسایی کرده‌اند و سایر کشورهای عربی اساساً این موضوع را شناسایی ننموده‌اند و برای عدم شناسایی آن، توجیهاتی نظیر دلایل امنیتی و اجتماعی برشمرده‌اند. این تز، آنتی‌تز

و سنتز در گذار از زمان شکل گرفته‌اند و این‌گونه نیست که در یک برهه، همه یا اکثریت قائل به تز باشند و سپس در دوره بعدی همه یا اکثریت قائل به آنتی‌تز شده باشند. این‌گونه هم نیست که امروزه رویکرد تز، که رویکرد سنتی‌تر است پذیرفته نباشد. سنتی بودن نظریه، به آن معنا است که قدمت وجودی آن بیشتر است و در واقع، سنتی بودن به جهت زمان پیدایش است و لزوماً به مثابه اعتبار یا عدم اعتبار آن نیست.

سیر تحول قانون‌گذاری در کشورهای عربی به رغم تفاوت اقتضائات، مصالح و منافع حاکمیتی از عدم شناسایی، به سوی شناسایی حق اعطای تابعیت مادر به فرزندان پیش رفته است. اغلب کارشناسان حقوقی عدم شناسایی این حق را به ملاحظات سیاسی کشورها مرتبط می‌دانند نه محدودیت‌های ناشی از مبانی شرعی. مدعیان شناسایی حق اعطای تابعیت مادر به فرزند را مصداق حقوق زنان و تساوی حقوق زن و مرد می‌دانند. از میان کشورهای عربی تونس، مغرب و الجزایر این حق را شناسایی نمودند و در این میان عربستان سختگیرانه‌ترین قوانین مربوط به تابعیت را داراست.

در نهایت باید گفت که اگرچه توجه به نقش مادر بسیار مهم است ولی نباید به صورت تمام و کمال مطابق با خواست یک طرف، که خود برخاسته از هژمونی است، نظر دوخته شود. این به آن معنا است که کشورهای عربی اسلامی و به طور کلی، کشورهای اسلامی، لازم است که در رویکرد تقنینی و قضایی خود، اقتضائات مذهبی، فرهنگی و اجتماعی مختص به جوامع خود را در نظر بگیرند و بایستگی انسانی بودن حقوق، به معنای غربی کردن آن نیست.

منابع

۱. قرآن کریم

- فارسی

کتاب‌ها

۲. سلجوقی، محمود (۱۳۸۴)، حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹)، حقوق مدنی. جلد چهارم، تهران، بنیاد حقوقی میزان.

مقاله‌ها

۴. توسلی نایینی، منوچهر و افضلی، عبدالواحد (۱۳۹۲)، تحولات حقوقی قانون تابعیت افغانستان در زمینه ازدواج با بیگانگان در مقایسه با قانون تابعیت ایران، مجله اندیشه‌های حقوق خصوصی، شماره ۲، صص ۹-۲۲.
۵. جمهوری اسلامی ایران، قانون مدنی ایران.
۶. جمهوری اسلامی ایران، مجموعه رویه‌های قضایی، هیأت عمومی دیوان عالی کشور.
۷. عامری، احمد عرب و پارسامنش، محمدرضا (۱۳۹۳)، تابعیت در اسلام، مجله حقوق اسلامی، شماره ۴۱، صص ۱۰۷-۱۳۰.
۸. عباسی، عاطفه و بداغی، فاطمه (۱۳۸۸)، حق تابعیت اطفال حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان خارجی، فقه و حقوق خانواده (ندای صادق سابق)، شماره ۵۱، صص ۱-۲۰.
۹. ناصحی، علی (۱۳۸۲)، تابعیت و اصول و قواعد حاکم بر آن، پیک نور، شماره ۳، صص ۵۸-۶۸.
۱۰. نایینی، احمدرضا (۱۳۸۹)، «فلسفه تابعیت: سندی از کمیسیون پارلمانی قوانین عدلیه مجلس شورای ملی» کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۴۷، صص ۱۰۵-۱۰۸.

- عربی

۱۱. البحرینیه، قانون الجنسیه.
۱۲. التونسیه، قانون الجنسیه.
۱۳. الجزائریه، قانون الجنسیه.
۱۴. البحرینیه، قانون الجنسیه.

۱۵. المغربیه، قانون الجنسیه.
۱۶. شنان، عبدالحسن و ختام، المدرس (۱۴۲۸ ه.ق.)، «احکام منح الجنسیه فی القوانین العراقیه و مشروع البطاقه الموحدہ (دراسه قانونیه)»، الکیه الاسلامیه الجامعه محرم، العدد ۱۴، صص ۴۱۴-۴۳۷.
17. https://www.constituteproject.org/constitutions?lang=en&status=in_force&status=is_draft (Last visited: 2023.07.22).
18. <https://www.refworld.org/cgi-bin/texis/vtx/rwmain/opendocpdf.pdf?reldoc=y&docid=5ffddf34> (Last visited: 2023.07.22).